

A brief look at the strategies and tactics of Ali (PBUH) in governance

Mohammad Reza Jahanbakhshi

PhD student, Tehran Science and Research Branch

The purpose of writing this research is "a brief look at the strategies and measures of action of Ali (Peace be upon him) in governance" and the research method is descriptive-analytical library type with fish taking tools. Accordingly, governance strategies from Ali (PBUH)'s point of view are: 1- Correctional strategies in prison consisting of educational measures, the right to visit a spouse during detention, the right to meet relatives, the comfort of convicts and the presence of prisoners in religious ceremonies 2- Ali (PBUH) strategy and advice to brokers consisting of paying attention to good methods, paying attention to the standard of expertise and experience, paying attention to the standard in judging, paying attention to the prohibition of doing many jobs, paying attention to poor management, paying attention to youthful value, paying attention Equality in rights and availability of opportunities, attention to supervision and inspection, attention to meeting the needs and attention to the rights of the people against the government 3- Ali (PBUH) judicial strategies consist of speeding up the trial, paying attention to alternatives to punishment, reformist view of the offender joining the community, cause-oriented view of crimes and its elimination, calling for repentance and covering up criminal behavior, recommending Amnesty for criminals, attention to the rights of the convicted person, the enjoyment of the accused's rights and dignity, legalism and the elimination of safe margins, the principle of equality before the law and the principle of personal punishment. Ali (PBUH) action measures in governing are: respect and citizenship rights, protection in educational affairs, attention to reform and development, justice in the government, attention to the rights of the elderly and attention to enjoining the good and forbidding the evil.

Keywords: Strategies, Action Measures, Ali (PBUH), Governance

نگاهی گذرا به راهبردها و تدابیر کنشی علی(ع) در حکمرانی

محمدرضا جهان بخشی

دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات تهران

هدف از نگارش این تحقیق "نگاهی گذرا به راهبرد ها و تدابیر کنشی علی(ع) در حکمرانی" است و روش پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع کتابخانه ای با ابزار فیش برداری است. بر این اساس راهبرد های حکمرانی از دیدگاه علی(ع) عبارتند از: ۱- راهبرد های اصلاحی در زندان متشکل از اقدامات تربیتی، حق ملاقات با همسر در زمان بازداشت، حق ملاقات با نزدیکان، آسایش محکومان و حضور زندانی در مراسم های مذهبی ۲- راهبرد و توصیه علی(ع) به کارگزاران متشکل از توجه به روش های نیک، توجه به معیار تخصص و تجربه، توجه به معیار در قضاوت، توجه به منع انجام مشاغل متعدد، توجه به مدیریت ضعیف، توجه به ارزش جوانی، توجه به برابری در حقوق و فراهم بودن فرصت ها، توجه در نظارت و بازرسی، توجه به رفع نیازمندی ها و توجه به حقوق مردم در قبال حکومت ۳- راهبرد های قضایی علی(ع) متشکل از تسریع در دادرسی، توجه به جایگزین های مجازات، نگاه اصلاح گرانه به پیوستن مجرم به اجتماع، نگاه علت مدار به جرایم و رفع آن، دعوت به توبه و سترپوشی از رفتار مجرمانه، توصیه به عفو مجرمان، توجه به حقوق محکوم علیه، بهره مندی متهم در حق و کرامت، قانون گرایی و حذف حاشیه ی امن، اصل تساوی در برابر قانون و اصل شخصی بودن مجازات ها. تدابیر کنشی علی(ع) در حکمرانی عبارتند از: رعایت احترام و حقوق شهروندی، صیانت در امور تربیتی، توجه به اصلاح و آبادانی، عدالت ورزی در حکومت، توجه به حقوق سالمندان و توجه به امر به معروف و نهی از منکر.

کلید واژه: راهبردها، تدابیر کنشی، علی(ع)، حکمرانی

مقدمه

امروزه مبارزه با جرم و نحوه برخورد با آن به مساله مهمی تبدیل شده است. گروهی از حقوقدانان به اقدامات کیفری تاکید دارند و گروهی دیگر بر پیشگیری از وقوع جرم، با نگاهی گذرا به آموزه های دین اسلام در می یابیم که در سیره و تعالیم امیرالمومنین(ع) به اجرای عدالت و پیشگیری در مواجهه با انحرافات تاکید شده است

عدالت از دیدگاه علی(ع) دارای مفهومی همه جانبه و عمیق است و تنها امری اخلاقی محسوب نمی شود، بلکه عدالت، علت اصلی تشکیل حکومت او بوده است و حکومت را ابزاری در جهت احقاق حق می دانستند؛ چنان که فرموده اند:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل، همه چیز را در جای خود قرار می دهد» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ج ۶: ۱۲۹۰)

تحقق عدالت با کارگزاری عدالت پیشه و دادگر به دست می آید از این رو که نقشی مهم در بهبود وضعیت جامعه و رشد و تعالی آن ها دارد.

پیشگیری از جرم، نیز از مهم ترین راه کارهای کنترل و کاهش جرم است، موفقیت در این امر، مستلزم شناسایی و رعایت اصول است. این مقاله بر آن است تا لوازم پیشگیری از جرم را از منظر امام علی علیه السلام شناسایی و استخراج کند؛ چرا که در گفتار و کردار آن حضرت به عنوان یک حاکم و پیشوای بزرگ اسلامی، نکات مهمی در خصوص لوازم پیشگیری از جرم آمده است که حضرت توجه به عوامل داشته و درصدد از بین بردن ریشه ای این عوامل از طریق اصلاح و درمان بوده است و مجازات را آخرین رتبه و مرتبه «فَاخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيِّ» در برخورد با ناهنجاری ها می دانند (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۴۸) باتوجه به سیره علی(ع) در تشکیل حکومت اسلامی، اداره حکومت اسلامی می تواند یکی از بهترین الگوها برای سیاستمداران و رهبران جوامع اسلامی باشد؛ لذا بررسی این موضوع و نگاه حضرت و رفتار ایشان در پدیده های مختلف از اهمیت به سزایی برخوردار است.

برای دست یابی به این مقصود، مجموعه آموزه های امام علی علیه السلام، مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در این پژوهش برآنیم باعلاوه بر پرداختن به راهبردهای علی(ع) و با دسته بندی گزاره های آن، تدابیر کنشی را مورد واکاوی قرار دهیم.

ادبیات موضوع و پیشینه:

نظام عدالت کیفری نمی تواند اهداف و آرمان جامعه را تامین کند لذا پیشگیری از جرم باید جایگزین مجازات شود و به مجازات باید به عنوان راهبرد نهایی نگریسته شود، پیشگیری به لحاظ اهمیت دارای قوانینی است که از آن به حقوق پیشگیری یاد می کنند و آن را قسیم حقوق کیفری قرار داده اند که حقوق پیشگیری منبع اصلی راهبرد کنشی محسوب می شود و حقوق کیفری منبع اصلی راهبرد واکنشی به شمار می رود.

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود، حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم اجرا را دارد(شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴)

به طور کلی تحقیق در خصوص موضوع پیشگیری از جرم در سالهای اخیر در کشور ما به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است، اما تحقیقی که با رویکرد فقهی بدنبال تدابیر و راهبرد ها در حکمرانی از منظر علی(ع) باشد با بررسی های به عمل آمده است، به تحقیق خاصی دست نیافتیم

لکن در این نوشتار به تحقیقات مشابهی اشارت می گردد:

مقاله ی آزادی سیاسی واجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه نوشته علی اسد نیا (۱۳۹۰) در این مقاله حقوق سیاسی انسان مورد بررسی قرار گرفته که به مسائلی چون حق تعیین سرنوشت ، آزادی سیاسی، مشورت و... اشاره شده است.

مقاله ی نقش مردم در حکومت از دید نهج البلاغه نوشته محمد صدقی (۱۳۸۹) در این مقاله به بررسی ملاک مشروعیت پرداخته و به مسائلی چون لزوم حکومت، مردم از منظر حکومت، شرایط حاکم اسلامی و نقش مردم در گزینش حاکم پرداخته شده است.

مقاله پیشگیری از جرم از محمدعلی حاجی ده آبادی (۱۳۸۰) در این مقاله به مفهوم شناسی جرم، پیشگیری و انواع آن و رویکردهای پیشگیرانه در مکاتب جرم شناسی پرداخته و به ارائه چند محور و اصل به عنوان اصول پیشگیری از جرم در اسلام اشاره شده است.

مقاله نقش مردم در حکومت از دیدگاه امام علی(ع)(۱۳۹۳) در این مقاله به اندیشه های حضرت علی(ع) در زمینه مشروعیت حاکم اسلامی و دیدگاه حضرت نسبت به همراهی و یاری مردم تاکید کرده و مقبولیت مردمی را در کنار مشروعیت الهی لازم شمرده شده است.

مقاله مقایسه تطبیقی یافته های جرم شناسان و مکاتب حقوقی معاصر با سیاست جنایی و فقه جزایی علی(ع) از مسعود حیدری و مسعود مومنی در این مقاله به مباحث پیشگیری، بازپروری و نگاهی تطبیقی به نظریات تقلید، معاشرت ترجیحی و کنترل اجتماعی شده است.

روش تحقیق:

این تحقیق به اعتبار روش آن، توصیفی- تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و اسنادی صورت می گیرد، و نیز برای مرحله اجرای تحقیق از ابزار فیش برداری به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

بخش اول: راهبرد های حکمرانی از دیدگاه علی(ع)

در این بخش به سه نوع از راهبرد های حکمرانی از دیدگاه علی(ع) پرداخته می شود

الف) راهبرد های اصلاحی در زندان:

۱- اقدامات تربیتی در زندان

از برنامه های اجباری دو زندان « نافع » و « مخیس » تنظیم و اجرای برنامه های تهذیبی و تربیتی آموزش قرآن، فرا گرفتن دانش و خواندن و نوشتن بوده است. اجازه حضور زندانیان در نماز جمعه از دیگر اقدامات اصلاحی بوده است (وائلی، ۱۳۶۲ : ۲۷۳) از این رو علی(ع) با تاکید بر اصلاح می فرمایند: «من کمال السعادة السعی فی صلاح الجمهور» کوشش در جهت اصلاح مردم از برترین سعادت هاست (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷۸)

۲- حق ملاقات با همسر در زمان بازداشت

برای جلوگیری از ردیلت های اخلاقی و پر کردن خلاء های عاطفی و روانی لازم است شرایطی فراهم باشد تا زندانی بتواند با همسر خود ملاقات و خلوت نماید

در مستدرک الوسائل روایتی در این زمینه نقل شده است که «ان امرأه استعدت علیاً(ع) علی زوجها، فأمر علی بحسبه و ذلک لأن الزوج لا ینفق علیها اضراراً بها، فقال الزوج: احبسها معی، فقال علی: لک ذلک ، انطلقی معه لا علیک احدا؛ زنی از همسرش به علی (ع) شکایت کرد؛ آن حضرت دستور داد آن مرد را زندانی کنند و جرم مرد این بود که نفقه و خرجی زن را نمی پرداخت تا این که به او زیان برساند، آن مرد گفت: زخم را نیز با من حبس کن، حضرت فرمود: این حق توست و به زن فرمود: همراه او برو. (نوری طبرسی، ۱۳۱۹، ۱۳: ۴۳۲)

بنابراین باید شرایطی ایجاد شود که در آن زندانی بتواند با همسر خود دیدار و خلوت داشته باشد. چرا که جدایی میان زن و شوهر موجب از هم پاشیدگی خانواده، افسردگی و گرایش های نامتعارف جنسی خواهد شد.

۳- حق ملاقات با نزدیکان

قاضی نعمان مصری روایتی از امیر المؤمنین درباره شخصی زندانی به نام ابن هرمه آورده است: « کتاب علی إلی رفاعه حول ابن هرمه المسجون: و لا تحل بینه و بین من یأتیه بمطعم أو مشرب، أو ملبس أو مفرش، و لا تدع أحدا یدخل إلیه ممّن یلقنه اللد؛ نامه حضرت علی به رفاعه درباره ابن هرمه زندانی: ... مانع کسانی که برای او خوردنی و نوشیدنی یا لباس و فرش می آورند نشو؛ ولی نگذار کسی که به او لجاجت و خصومت تلقین می کند به ملاقات او بیاید» (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ص ۵۳۲) از این نامه در میابیم که حضرت توجه به این موضوع داشته است و بایستی امکان ملاقات برای همه ی محکومان فراهم باشد

۴- آسایش محکومان در زندان

علی(ع) توجه به حق رفاه زندانی و رفتن به فضای باز زندان برای گردش داشته اند، ایشان در نامه به ابن هرمه فرموده اند: « و مر بإخراج أهل السجن فی اللیل إلی صحن السجن لیترجوا ... دستور بده در شب، زندانیان را به حیاط زندان بیاورند تا گردش کنند» (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ص ۵۳۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز زندانیان را در خانه های معمولی که مردم در آن زندگی می کردند

و همه امکانات داشت، جا می داد. آن حضرت، اسیران جنگی را که حکمشان قتل بود در خانه های معمولی زندانی کرد، در میان صحابه تقسیم کرد تا در خانه های خود نگه دارند و در برخی موارد آنان را در یک خانه زندانی می کرد؛ چنان که چند تن از آنان را در خانه زنی از بنی نجار زندانی کرد (طبری، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

۵- حضور زندانی در مراسم های مذهبی

علی (ع) محکومین را در زمان های خاص برای مراسمات مذهبی حاضر می کردند، چنانکه آمده است: «أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يَخْرُجُ أَهْلَ السَّجُونِ مِنْ أَحْبَسَ فِي دِينٍ أَوْ تَهَمَهُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَيَشْهَدُونَهَا وَ...؛ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - زَنْدَانِيَّانِ رَا كَه بَه جَهْتِ بَدَهْكَارِي يَا اِتْهَامِي دَر زَنْدَانِ بُوْدَنْد بَه نَمَاز جُمُعَه مِي فَرَسْتَاد. اَنَانِ دَر مَراسِمِ جُمُعَه حَاضِر مِي شَدَنْد...» (بروجردی، ۱۴۲۹، ۶: ۶۸)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: امام باید زندانیانی را که به سبب دین و بدهی زندانی هستند، در جمعه به نماز جمعه و در روز عید برای مراسم عید بیاورد و همراهشان مأمور بفرستد تا وقتی نماز و مراسم عید را انجام دادند، آنان را به زندان باز گرداند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۵: ۳۶)

ب) راهبرد و توصیه علی (ع) به کارگزاران

۱- توجه به روش های نیک

علی (ع) در رابطه توجه به روش های نیک فرموده اند: «وَالْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقَدَّمَكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ، أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ، أَوْ أَثَرٍ عَنْ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرِيضَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَقْتَدِيَ بِمَا شَاهَدْتَ مِمَّا عَمَلْنَا بِهِ فِيهَا، وَتَجْتَهِدَ لِنَفْسِكَ فِي اتِّبَاعِ مَا عَمِدْتَ إِلَيْكَ فِي عَهْدِي هَذَا؛ بَرِّ تَوْ وَاجِبٌ اسْتَ كَه بَه يَادِ حُكُومَتِهَايِ عَدْلٍ پِيشِ از خُودِ باشی، وَ نِيزِ لَازِمِ اسْتَ كَه بَه رُوشِ هایِ خُوبِ، يَا اِثْرِي كَه از پيامبرمان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسِيدَه يَا فَرِيضَه اِي كَه دَر كِتَابِ خُداوند اسْتَ تَوْجِه نِمَايِي وَ اَنْكَاهِ بَه اَنْجَه ما اِنْجَامِ دَادَه اِيْمِ وَ تَوْ شَاهِدِ بُوْدَه اِي اِقْتِدا كُنِي وَ دَر پِيروِي از اَنْجَه دَر اَيْنِ فَرْمَانِمِ بَه تَوْ سَفارشِ كَرْدَه اِم، كُوشِشِ بَه خُرْجِ دِهِي.» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۳۳)

۲- توجه به معیار تخصص و تجربه

در معیار صلاحیت همواره تعهد و تخصص مورد تاکید قرار گرفته شده است لذا زمامدار باید توان و شایستگی لازم برای منصب داشته باشد؛ از این رو امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ؛ اِي مَرْدَم! سَزَاوَرْتَرِينِ اَفْرَادِ بَرایِ حُكُومَتِ كُسي اسْتَ كَه بَدَانِ تَوَانَاتَرِ باشد» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۳: ۵۵۸) و نیز فرموده اند: برای کارگزاری افراد با تجربه و با حیا را از خانواده های صالح و کسانی که سابقه خدمت به اسلام را دارند، طلب کن زیرا اخلاق آنان گرامی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمعشان کمتر و عاقبت نگریشان فزون تر می باشد (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۱)

۳- توجه به معیار در قضاوت

علی (ع) در قسمتی از نامه ی خود به مالک اشتر می فرمایند: «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه ی فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهند و در شبهات از همه با احتیاط تر

عمل کنند و بر مبنای دلیل قاطع و مبنای شرعی حکم کنند (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۰۹) و نیز در جای دیگر فرموده اند: بدانید من اشخاص را به حکومت می گمارم که به دینداری و امانت آن ها مطمئن باشم و روحیات آن ها را بشناسم (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ۴۴۳)

۴- توجه به منع انجام مشاغل متعدد

برخی از کارگزاران بدلائل سیاسی و اقتصادی در زمان های مختلف مسئولیت های متفاوتی را پذیرفته که نتیجه ی آن عدم عملکرد مناسب و تاثیر منفی آن در جامعه است.

امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ خَذَلَتْهُ الْحِيلُ؛ کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار می شود و پیروز نمی گردد» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۶: ۱۲۷۶)

۵- توجه به مدیریت ضعیف و آثار آن در حاکمیت

تاثیر مدیریت نادرست و ضعیف موجب ناعدالتی در جامعه و آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و .. می شود از این رو علی (ع) می فرمایند: «سوء التدبیر مفتاح الفقر؛ مدیریت بد، کلید فقر است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۹) و نیز فرموده اند «سَبَبُ التَّدْمِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ؛ سبب ویرانی، سوء مدیریت است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۷)

۶- توجه در انتخاب به ارزش جوانی

وقتی پیغمبر گرامی اسلام تصمیم گرفتند مکه را به قصد سرزمین تیره های هوازن و ثقیف ترک گویند، حکومت و اداره امور شهر را به عتاب بن اُسید سپردند که جوانی بردبار و خردمند بود و بیش از بیست بهار از عمر وی نگذشته بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۲۷) پیامبر درباره عتاب به اهل مکه نوشتند: « لَا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصَغَرِ سِنِّهِ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ ، بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ؛ مبادا کسی در نافرمانی از او، به کم سن بودنش استدلال کند، چرا که بزرگ تر، شایسته تر نیست، بلکه شایسته تر، بزرگ تر است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۱: ۱۲۳) و نیز علی (ع) حکومت مصر را به محمد بن ابی بکر که در آن زمان ۲۸ سال داشتند، سپردند که امام ایشان را با وصف «وَلَدًا نَاصِحًا وَ عَامِلًا كَادِحًا وَ سَيْفًا قَاطِعًا وَ رُكْنًا دَافِعًا؛ محمد بن ابی بکر... فرزندی نیک خواه، کارگزاری کوشنده، شمشیری برنده و رکنی استوار (در برابر دشمن) بود.» یاد کرده اند. (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۹۴۵) از این رو با مشاهده روایات فوق در می یابیم پیامبر و علی (ع) در انتخاب مدیران خود به معیار جوانی تاکید داشتند.

۷- توجه نسبت به برابری در حقوق و فراهم بودن فرصت ها

حکومت اسلامی بایستی با فراهم کردن امکان دستیابی یکسان برای عموم جامعه بکوشد و تنها برای افرادی خاص امکانات خاص قائل نشود از این رو امیر مومنان (ع) می فرمایند: «لی مالکم و علی ما علیکم؛ آنچه از حق برای من است برای شما نیز هست و آنچه از تکلیف برای من است همان نیز بر شماست» (محمدری شهری، ۱۴۲۱، ۴: ۱۰۵)

و نیز ابن عمر نقل کرده است که در زمان رسول اکرم (ص) به بیرون شهر می رفتیم و از قافله هایی که می خواستند وارد شهر شوند، مواد غذایی خریداری می کردیم. پیامبر (ص) به یکی از مسلمانان مأموریت داد به همه خریداران اعلام کند. «کسی حق خرید جنس در بیرون از شهر را ندارد، بلکه همه باید صبر کنند تا فروشندگان وارد شهر شوند و به میدان یا بازار بیایند و اجناس خود را در معرض دید قرار دهند تا همه بتوانند استفاده کنند» (بخاری، ۱۳۷۸، ۲: ۱۴)

۸- توجه در نظارت و بازرسی

۸-۱) نظارت بر عملکرد مدیران

علی(ع) فرموده اند: «وَأَبْعَثُ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنْ تَعَاهَدَكَ فِي السِّرِّ الْمَوْرَهُمْ حُدُودَهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّقْقُ بِالرَّعِيَةِ؛ رفتار کارگزاران را بررسی کن و ناظرانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود(شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۱)

۸-۲) نظارت و توجه به قاضی

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، قضاوت بین مردم است از رهگذر قضاوت عادلانه، امنیت بر جامعه حاکم می شود، علی(ع) تاکید بر نظارت بیشتر نسبت به قاضی داشتند و می فرمایند: «ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ، وَأَفْسَحُ لَهُ فِي الْبَذْلِ مَا يُزِيلُ عِلَّتَهُ، وَتَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ، وَأَعْطَاهُ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ، لِیَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالُ الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ؛ قضاوت قاضی را هرچه بیشتر بررسی کن، و در پرداخت مال به او گشاده دست باش آن مقدار که نیازش را برطرف کند، و احتیاجش به مردم کم شود، و آنچنان مقامش را نزد خود بالا بر که از نزدیکیات احدی در نفوذ به او طمع ننماید، تا از ضایع شدنش به توسط مردم نزد تو در امان بماند»(شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۰)

۸-۳) نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار

علی(ع) بازرگانی و تجارت سالم را تأیید و توصیه کرده اند و می فرمایند: «درباره ی بازرگانان و صنعتگران به تو سفارش میکنم، زیرا اینان سرچشمه ی سودها و ابزار آسایش جامعه هستند، در میان آنان افرادی تنگ نظر، بخیل و محتکر وجود دارد که در نرخ گذاری، وسایل مورد نیاز مردم مطابق میل خود رفتار میکنند. چنین وضعی برای مردم، زیانبار و برای حاکمان ننگ و عیب است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن، به آنان اخطار بده اگر توجه نکردند، آنان را کیفر بده، بدون آنکه افراط و زیاده روی باشد»(شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۷)

۹- توجه به رفع نیازمندی ها

با ایجاد رفاه عمومی، اثرات روحی و روانی کاهش می یابد و زمینه های جرم ناشی از محرومیت ها کمتر می شود تلاش حکومت در جهت رفع نیازمندی ها، از اقدامات مؤثر در پیشگیری نیز می باشد

۹-۱) تامین معیشت و تلاش در زدودن فقر

با شناسایی عوامل جرم به رابطه ی فقر و جرم دست می یابیم چرا که بی اعتقادی راه به ناهنجاری و گرایش به رفتارهای مجرمانه خواهد داشت، از این رو پیامبر(ص) می فرمایند «خدایا به نان ما برکت ده و بین ما و آن جدایی مینداز که اگر نان نباشد، نه میتوانیم نماز بخوانیم، نه روزه بگیریم و نه دیگر واجبات تو را ادا کنیم» (کلینی، ۱۳۸۸، ۵: ۷۳)

لذا حکومت وظیفه دارد زمینه ی تامین معیشت مردم را فراهم نماید چنانکه علی(ع) در دوران خلافت خود چنین کرد. حضرت می فرمایند: «همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین ترین آنها {یعنی فقیرترین افراد جامعه} نان گندم می خورد و خانه مناسب دارد و از آب سالم می نوشد» (حسینی شیرازی، بی تا: ۱۴۱) لذا فقیرترین افراد در حکومت امام مشکلی در تامین خوراک،

مسکن و آب سالم نداشته اند لذا حکومت اسلامی موظف است با تدابیر مناسب وضعیت اقتصادی مردم را سامان دهد تا حداقل ترین امکانات در اختیار عموم افراد باشد

۹-۲) نگاه ویژه دولت به محرومان

حکومت اسلامی هم باید برنامه ای دقیق، کارآمد و مستقل برای حمایت از فقرا و محرومان داشته باشد. به همین خاطر علی(ع) در نامه به مالک اشتر بخشی ویژه، مهم برای محرومان و می گشاید و می فرمایند: «خدا را، خدا را! در خصوص طبقات محروم و پایین جامعه! که هیچ چاره ای ندارند، از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، درماندگان... همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری می کنند و جمعی به گدایی دست نیاز برمی دارند، پس برای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص بده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۹)

۹-۳) تامین معیشت کارکنان و مجریان

امام علی(علیه السلام) در نامه به مالک اشتر، راه های کاهش دست اندازی به بیت المال را چنین بیان می کند:

«در امور کارمندان بیندیش ... سپس روزی فراوان برآنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خویش می کوشند و با بی نیازی دست به اموال بیت المال زنند و اتمام حجتی است برآنان؛ اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۱)

درباره قضات نیز توصیه می کنند: «... پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیاز هایش رفع گردد و نیازمند مردم نباشد...» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۱۰)

۹-۴) درک طبقه محروم و همسان سازی با آن ها

کارگزاری که مسئولیتی در جامعه اسلامی می پذیرد بایستی درک فقر و بیکاری را داشته باشد و مانند طبقه پایین جامعه زندگی نماید. حضرت امیر(ع) در این رابطه فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْحَقَّ أَنْ يُقَدَّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسان کنند، تا تنگدستی فقیر، او را برنیاشوبد» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۴: ۶۶۳)

سلمان، یکی از فرمانداران مدائن بود و بر سی هزار مسلمان حکومت می کرد. تمام حقوقش را صدقه می داد و با حصاربافی زندگی می کرد (عابدی، ۱۳۸۸: ۸۳) ایشان در نامه خود به خلیفه ی دوم می نویسند: «مثل افراد عادی زندگی می کنم و مردم را نسبت به خود گستاخ کرده ام و آنان هیبتم را فراموش کرده اند و بر گرده ام سوار شده اند و آبروی سلطنت خدایی را برده ام و این موجب ضعف قدرت اسلام می شود!» بدان که ذلت در طاعت خدا بهتر از عزت در عصیان اوست و تو خوب می دانی پیامبر اکرم(ص) در اوج قدرت و مقام نبوت، چنان با مردم انس و الفت داشت و خودمانی بود که هیچ امتیاز ظاهری با دیگران در وجود او دیده نمی شد و گویی یکی از آن ها بود و غذایش ساده و لباسش زبر بود» (طبرسی، ۱۳۸۱، ۱: ۲۵۳)

۱۰- توجه به حقوق مردم در قبال حکومت

از جمله حقوق سیاسی مردم نسبت به حکومت امر به معروف و نهی از منکر می باشد که به عنوان افضل جهاد توصیف شده است، در این رابطه پیامبر(ص) فرموده اند: « أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَكَمٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛ برترین جهاد، سخن عادلانه در برابر پیشوایی ستمگر است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۱۲۶)

امام حسین در خطبه «منا» فرموده اند: «ای مردم از آنچه خدا به آن اولیای خود را پند داده پند گیرید، مانند بدگویی او از دانشمندان یهود آنجا که می فرماید: «از میان بنی اسرائیل آنان که کفر ورزیدند لعن شدند» تا می فرماید: «چه بد بود آنچه می کردند» و بدین سان خداوند آنان را نکوهش کرد؛ چون آنان از ستمگر میان خود کارهای زشت و فساد می دیدند و نهیشان نمی کردند، به طمع آنچه از آنها به ایشان می رسید و از بیم آنچه از آن می ترسیدند، با اینکه خدا می فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید و می فرماید: «مردان و زنان باایمان دوستان یکدیگرند، به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند، خدا امر به معروف و نهی از منکر را که تکلیف واجب است، از خودش آغاز کرده است، زیرا می دانسته که اگر این فرضیه ادا شود و برپا گردد، همه فرایض از آسان و دشوار برپا شوند...» (نجمی، ۱۳۸۴: ۶۹) لذا مردم با امر به معروف و نهی از منکر می توانند حکومت را مورد نظارت قرار دهند، که موجب پاسخگویی کارگزاران در جامعه خواهد شد، در حکومت علی(ع) این شاخص مشهود بوده است به طوری که حضرت در نامه به مالک به این مهم تاکید نموده و می فرمایند: اگر رعیت بر تو گمان ستم برد عذر خود را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار آنان را از بدگمانیشان خارج کن، که بدین رفتار خود را به عدالت خوی و عادت میدهی... آنان را نیز به حق استوار می کنی (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۲۶) و نمونه دیگر از بیان حضرت این است که زمانی که عبدالله ابن عباس به حکومت بصره انتخاب شد، فرمودند: «ای مردم من عبدالله ابن عباس را به عنوان جانشین بر شما حاکم قرار دادم سخن او را بشنوید و از امر او مادام که در اطاعت خدا و رسول اوست اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق روی گردان شد به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم» (شیخ مفید، ۱۳۸۷: ۴۲۰)

ج) راهبرد های قضایی علی(ع)

۱- توجه به تسریع در دادرسی

تسریع در دادرسی و حذف تشریفات یکی از مهمترین شاخصه های عدالت قضایی نزد امام علی(ع) است از این رو درباره حضرت روایت شده است «إِنَّه كَانَ يَعْزِضُ السَّجُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ حَدٌّ أَقَامَهُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ حَدٌّ خَلَّى سَبِيلَهُ؛ در هر جمعه به زندان ها سرکشی می کرد، هر کس حکم حد داشت بر او اقامه می کرد و هر کس نداشت، آزاد می شد» (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ص ۴۴۳)

۲- توجه به جایگزین های مجازات

امام در برخی از جرایم بنا به صلاح دیدشان، از اجرای مجازات صرف نظر کرده است، نقل شده است که شخصی نزد امام اقرار به سرقت نمود. ایشان از وی پرسید: آیا می توانی قرآن بخوانی؟! مجرم پاسخ داد: آری، سورة بقره را می دانم. حضرت فرمود: دست تو را به سورة بقره بخشیدم (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ۱۰: ۱۲۹)

نگرش حضرت نشان دهنده این امر است که لازم نیست قاضی همواره بدنبال مجازات برای جرم خاص باشد، بلکه مجازاتی مناسب است که اصلاح و بازپروری مجرم را مد نظر قرار دهد.

۳- نگاه اصلاح گرانه به پیوستن مجرم به اجتماع

امام صرفاً به اجرای مجازات بسنده نمی کردند و می کوشیدند موجبات اصلاح و درمان مجرم پدید آید

روایت شده، چند دزد را نزد امام علی(ع) آوردند که بر آن ها حد قطع جاری شده بود، حضرت به قنبر فرمودند: اینان را پیش خود نگهدار و زخمشان را التیام کرده و از آنان به خوبی پذیرایی کن و زمانی که بهبود یافتند مرا خبر کن، زمانی که جراحت مجرمین بهبود یافت، امام به قنبر فرمودند: به هر کدام از آنها(مجرمین) دو لباس بدهید و و آنان را نزد من حاضر کنید. قنبر نیز آن ها را نزد امام حاضر می کند، امام هنگام که نشسته بودند با انگشت به خاک می زنند، سر بلند می کند و می فرمایند: دستانتان را به طرف آسمان دراز کنید و بگویید خدایا، علی دست ما را قطع کرد. آن ها نیز چنین کردند. سپس امام فرمود: خدایا بر کتاب تو و سنت پیامبرت. آنگاه به قنبر فرمودند: به هر کدام از آنها چیزی بده و آزادشان کن تا به شهرشان برگردند(صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ۴: ۵۴۲)

امام علی(ع) در این حدیث توجه به جراحات آن ها داشته و دستور التیام آن را می دهد و به آنها یاد آوری کرده که حکم کتاب و سنت در موردشان جاری شده و نیز هزینه بازگشت این افراد را به شهرشان می پردازد و آن ها را به دامن اجتماع باز می گرداند.

۴- نگاه علت مدار به جرایم و رفع آن

یکی از وظایف دولت اسلامی، تسهیل دسترسی سالم به اشباع غرایز جنسی می باشد و این غیر از وظایف مشخص خانواده هاست. اگر خانواده، در تهیه این امکانات ناموفق باشد، وظیفه حکومت اسلامی است که با کمک و یاری به جوانان از ارتکاب جرایم و گناه پیشگیری نماید. از این رو امام صادق(ع) می فرماید: «مردی با آلت خود بازی می کرد، حضرت چنان به دستش زد که سرخ شد، بعد با پول بیت المال برای او همسری تزویج کرد»(عاملی، ۱۴۱۲، ۱۸: ۵۷۴) این روایت بیانگر آن است که نباید صرفاً در پی اجرای مجازات بود، بلکه باید از اقدامات لازم برای اصلاح مجرمان بهره جست و عوامل جرم را از بین برد.

۵- دعوت به توبه و سترپوشی از رفتار مجرمانه

در رفتار ائمه به پرده پوشی برخی جرایم دعوت شده است و مرتکبان را به توبه دعوت کرده اند به طور نمونه روایت شده است که بعد از اقرار شخصی به عمل زنا، حضرت با ناراحتی فرموده است: «چقدر قبیح و زشت است که شخصی از شما مرتکب اینگونه رفتار شود و خود را در حضور مردم رسوا نماید. آیا نمی تواند در خانه اش توبه کند؟ به خدا قسم، توبه این فرد بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد توسط من بر او می باشد(کلینی، ۱۳۶۷، ۷: ۱۸۸)

و نیز حضرت به حکمرانان خود دستور می دهند: «فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ، يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ؛ پس تا می توانی عیوب مردم را بپوشان، تا خداوند عیوب تو را که علاقه داری از مردم پوشیده بماند». (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۷)

۶- توصیه به عفو مجرمان

از جمله روش های که مورد تأکید علی(ع) قرار گرفته است عفو و گذشت می باشد به همین جهت، حضرت از اجرای مجازات که اختیار آن با ایشان بود امتناع می نمود در روایتی از حضرت نقل شده است: «أَوَّلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ؛ سزاوارترین مردم به عفو کسی است که قدرت بیشتری بر مجازات داشته باشد». (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۷) از این رو امام(ع) در مورد قاتل خویش فرمودند: «دیروز همنشین شما بودم و امروز عبرتتان! و فردا از شما جدا می شوم اگر زنده ماندم، خود، خون خواه خویشم و اگر از دنیا رفتم و در میان شما نبودم، اگر قاتلم را بخشیدید برای من مقامی است و برای شما پاداشی» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۲: ۸۷۵)

و نیز فرموده اند: « قَلَّ الْعَفْوُ أَقْبَحَ الْعُيُوبِ وَ التَّسَرُّعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ؛ زشتترین عیوب کم عفو کردن و بزرگترین گناه سرعت گرفتن در انتقام جویی است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۵۰۰) لذا، کاهش تظلمات افراد در دستگاه قضائی در گرو حاکمیت این دیدگاه امام است: «در موارد شبهه تا آنجا که می توانید از اجرای حدود خودداری کنید. اگر راهی برای عدم اجرای حد دربارهٔ مسلمانی بود، او را رها کنید؛ زیرا اگر امام در عفو اشتباه کند، بهتر است تا آن که در اجرای مجازات دچار اشتباه گردد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۰، ۲۹۲)

۷- توجه به حقوق محکوم علیه

علی(ع) مجریان قانون و قضات را به دقت در اجرا و صدور حکم دعوت کرده اند و آن ها را از نادیده گرفتن حقوق محکومان و مجرمان بر حذر می داشتند. نقل شده است که روزی امام به قنبر دستور داد که مردی را حد بزند. قنبر از روی احساسات، او را سه تازیانه بیشتر زد. علی(ع) آن مرد را وادار نمود تا سه تازیانه به قنبر بزند(کلینی، ۱۳۸۸، ۷: ۲۶۰) و نیز حضرت فرموده اند: «وَ إِنْ ابْتُلِيتَ بِخَطَا، وَ أَفْرَطَ عَلَيْكَ سَوْطُكَ أَوْ سَيْفُكَ أَوْ يَدُكَ بِالْعُقُوبَةِ - فَإِنَّ فِي الْوَكْرَةِ فَمَا فَوْقَهَا مَقْتَلٌ - فَلَا تَطْمَحَنَّ بِكَ نَخْوَةَ سُلْطَانِكَ عَنْ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ حَقَّهُمْ؛ و اگر دچار اشتباه شدی، و تازیانه یا شمشیر یا دست در کیفر دادن از حد بیرون رفت - چه اینکه در مشقت زدن و بالاتر از آن بیم قتل است - مبدا نخوت حکومت تو را از پرداخت خون بها به خاندان مقتول مانع گردد.» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۱۰۳۰) این کلام و رفتار، بیانگر آن است که در اجرای عدالت نباید عدالت با بی تدبیری و بهره جستن از احساسات و غضب قربانی گردد. اجرای مجازات اقتضاء می کند که ستمی در حق بزهکار اعمال نشود و اگر اجحافی در حق او شد، از او اعاده حیثیت شود.

۸- بهره مندی متهم در حق و کرامت

متهم بایستی دارای حقوقی باشد که به او ظلم و تعدی نگردد تا در دادگاه به شکل مناسب احقاق صورت گیرد. در سیره علی(ع) مشاهده می گردد که ایشان یکی از قضات به نام ابا الاسود الدولی را از مقام قضاوت عزل نمودند؛ حضرت علت این عزل را فرموده اند: «إِنِّي رَأَيْتُ كَلَامَكَ يَعْلُو كَلَامَ خَصْمِكَ؛ دیدم که در برابر متهم صدایت را بلند می کنی» (حسینی شیرازی، بی تا: ۱۷۲).

۹- قانون گرایی و حذف حاشیه ی امن

قطعیت مجازات ها در موارد متعدد، به دلیل حاشیه های امن، به خطر می افتد؛ مرتکبان با وجود «حاشیه امن»، به جرم ادامه می دهند؛ لذا بایستی حاشیه های امن از قوانین و نهاد های امور کیفری سلب شود تا از ارتکاب جرایم جلوگیری گردد نمونه رفتار علی(ع)، زمانی است که طایفه یک مجرم، خواهان چشم پوشی از اجرای حکم بودند و حتی خواستند امام حسن(ع) را به وساطت بگیرند، امام علی(ع) نپذیرفت و حد را اجرا کرد که در ذیل به این روایت اشاره می شود

از امام باقر(ع) نقل شده که علی(ع) مردی از بنی اسد را که مرتکب خلافی شده بود، دستگیر کرد. گروهی از خویشاوندان وی جمع شدند و از امام حسن علیه السلام خواستند تا با آنان نزد علی علیه السلام برود و از مرد اسدی شفاعت کند، اما امام حسن علیه السلام که پدر خود و التزام وی به قانون را به خوبی می شناخت، به آنان فرمود: خود نزد علی علیه السلام بروید، چون وی شما را به خوبی می شناسد. پس آنان علی علیه السلام را دیدار کردند و از وی خواستند تا از حد زدن مرد اسدی صرف نظر کند. حضرت در پاسخ فرمود: اگر چیزی را از من بخواهید که خود مالک آن باشم، به شما خواهم داد. آن گروه که گمان می کردند علی علیه السلام به آنان پاسخ مثبت داده، از نزد وی بیرون آمدند. امام حسن علیه السلام از آنان پرسید: چه کردید؟ گفتند: قول مساعد داد و سخنانی را که بین علی علیه السلام و خودشان مطرح شده بود، نقل کردند. امام حسن علیه السلام که منظور پدر را خوب فهمیده بود، به

آنان فرمود: دوستتان تازیانه خواهد خورد . علی علیه السلام مرد اسدی را بیرون آورد و تازیانه زد، سپس فرمود: به خدا سوگند من مالک این امر نبودم که وی را ببخشم (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ص ۴۴۳)

۱۰- اصل تساوی در برابر قانون

یکی از اصول مهم اصل عدالت آن است که همه افراد بدون توجه به شخصیت و مقام خود در برابر قانون مساوی و یکسان هستند، موید این اصل داستان علی (ع) است که در زمان خلافتشان در کوفه، زره آن حضرت گم شد. پس از چندی در نزدیک مرد مسیحی پیدا شد. علی (ع) او را به محضر قاضی برد و اقامه دعوی کرد که: «این زره از آن من است، نه آن را فروخته ام و نه به کسی بخشیده ام و اکنون آن را در نزد این مرد یافته ام.» قاضی به مسیحی گفت: «خلیفه ادعای خود را اظهار کرد، تو چه می گویی؟» او گفت: «این زره مال خود من است، و در عین حال گفت ممکن است خلیفه اشتباه کرده باشد» قاضی رو کرد به علی (ع) و گفت: «تو مدعی هستی و این شخص منکر است، علیهذا بر تو است که شاهد بر مدعای خود بیاوری.» علی (ع) خندید و فرمود: «قاضی راست می گوید، اکنون می بایست که من شاهد بیاورم، ولی من شاهد ندارم.» قاضی با توجه این اصل که مدعی شاهد ندارد، به نفع مسیحی حکم کرد و او هم زره را برداشت، اما مسیحی که خود بهتر می دانست که زره برای کیست، پس از آنکه چند گامی پیمود وجدانش مرتعش شد و بازگشت و گفت: «این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست، از نوع حکومت انبیاست» و اقرار کرد که زره برای علی (ع) است (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۴: ۳۱۶)

۱۱- اصل شخصی بودن مجازات ها

در گذشته مسئولیت کیفری افراد منحصر به شخص مرتکب نبود و اعضای خانواده مجرم نیز مجازات می شدند اما اسلام با پذیرش اصل شخصی بودن آن را بر اعمال مجازات ها حاکم کرد

حضرت علی (ع) در هنگام شهادت در مورد ابن ملجم مرادی می فرمایند: ای فرزندان عبدالمطلب مبدا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید و بگوئید امیرالمومنین کشته شد، بدانید که جز کشنده من شخص دیگری نباید کشته شود (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۸۷۵)

و نیز روایت شده ، زن حامله ای را به نزد خلیفه ی دوم آوردند که مرتکب زنا شده بود، خلیفه دوم حکم نمود او را رجم نمایند، علی (ع) فرمود: از اجرای این حکم دست نگه دار، مادر مجرم است، ولی جنینی که در شکم دارد بی گناه است. «هَبْ لَكَ سَبِيلَ عَلِيَّاهُ» سَبِيلَ لَكَ عَلَى مَا فِي بَطْنِهَا، در حالی که خدا می فرماید: هیچ کس گناه دیگری را بدوش نمی کشد. خلیفه با شنیدن این سخن گفت: هیچ مشکلی نیست، مگر این که ابوالحسن آن را رفع می نماید، سپس سؤال کرد در این قضیه چه باید کرد؟ علی (ع) فرمود: اجرای حکم را به تاخیر بیانداز تا جنین متولد شود و پس از تولد و بعد از آن که فردی کفالت فرزندش را متعهد گردید، بر او حد جاری کن. (عاملی، ۱۴۱۲، ۲۸: ۱۰۸)

بخش دوم: تدابیر کنشی علی (ع) در حکمرانی

۱- رعایت احترام و حقوق شهروندی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک / شتر می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای

دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد.» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۹۹۳)

در این نامه توجه به کرامت مردم، پرهیز از غرور و رعایت انصاف به تصویر کشیده شده و کارگزار حکومتی بایستی با فروتنی و اخلاق نیک به امور جامعه بپردازد

۲- صیانت در امور تربیتی

اطفال و نوجوانان به لحاظ شخصیت در زمان رشد و پرورش هستند که اقدامهای تربیتی آنان در این سن، جهت مقابله با گرایش به بزهکاری و انحراف موثر می باشد در این زمینه، در گفتار امام علی(ع) به فرزند بزرگوار خویش، امام حسن(ع)، می فرمایند: «وَأَمَّا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ؛ قلب نوجوان همانند زمین خالی است که هر چه در آن بیاندازی، آن را می پذیرد پیش از آنکه قلبت سخت شود (و تو را موعظه و نصیحتی به راحتی کارآمد نباشد) به تربیت تو اقدام کردم» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۹۱۲) و آیه شش سوره مبارکه تحریم این مهم را به عنوان صیانت تربیتی مورد ملاحظه قرار داده، می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید» بی شک صیانت خود و خانواده از آتش جهنم بدون مبادرت به امر تربیت امکان پذیر نیست.

۳- توجه به اصلاح و آبادانی

علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر توجه امام اصلاح افراد حتی دشمنان دارند و آبادی شهرها تاکید می نمایند و می فرمایند: «وَجِهَادٌ عَدُوَّهَا، وَاسْتِصْلَاحُ أَهْلِهَا، وَعِمَارَةٌ بِلَادِهَا؛ و با دشمن جهاد نماید، و به اصلاح اهلیش برخیزد، و شهرهایش را آباد سازد» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۵: ۹۹۲) و نیز حضرت فرموده اند: «مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ؛ کوشش در راه اصلاح عموم مردم، از کمال خوشبختی است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷۸)

۴- توجه به حقوق سالمندان

از مسئولیت های دولت اسلامی تامین نیاز های مادی و معنوی افرادی است که سال های زیادی در جامعه مشغول به کار بوده اند و از کار افتاده شده اند، روایت ذیل وظیفه دولت اسلامی را بیان می کند

«مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، نَصْرَانِيٌّ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؟! أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ پیرمردی سالخورده و کور، که در حال گدایی بود، عبور کرد. امیر مؤمنان(ع) فرمود: این چه وضعی است؟ اصحاب گفتند: ای امیرمؤمنان این مردی نصرانی است. امیر مؤمنان(ع) با شگفتی پرسید: هنگامی که جوان و توانا بود از او کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده است رهایش کرده اید؟! به او از بیت المال مستمری بدهید.» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۱۱: ۴۹)

۵- عدالت ورزی در حکومت

فراهم کردن زمینه های پیشگیری نیازمند عدالت در جامعه می باشد، علی (ع) در این رابطه فرموده اند: «جعل الله سبحانه العدل قواماً للانام و تنزيلها عن المظالم و الاثام و تسنيه الاسلام؛ خداوند عدالت را مایه برپایی مردمان و ستون زندگی ایشان و سبب پاکی از ستمکاری ها و گناهان و روشنی چشم اسلام قرار داد» (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۱)

نمونه عدالت ورزی امیرالمومنین برخورد ایشان با عقیل برادرشان بوده است که رفتار امام سبب گردید تا عقیل نسبت به دیگران تقدیمی برای خود قائل نشود و از درخواست خود منصرف شود (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۴: ۷۱۵)

۶- توجه به امر به معروف و نهی از منکر

حقوق متقابل مردم و حکومت بدین منظور است که حق منشأ تکلیف و قرین تعهد است. از این رو علی (ع) می فرمایند: «و در میان حقوق الهی بزرگ ترین حق، حق رهبر بر مردم، و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت. و آنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند، و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، و راه های دین پدیدار، و نشانه های عدالت برقرار، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود، و مردم در تداوم حکومت امیدوار، و دشمن در آرزوهایش مأیوس می شود.» (شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ۴: ۶۸۳)

نتیجه گیری

مجازات زندان تنها به گذراندن دوره محکومیت بسنده نمی گردد ، بلکه اقدامات تامینی و تربیتی در اصلاح و درمان محکومان نیز ضرورت دارد و هر چه گرایش در آموزه های دینی در محکومان را افزایش دهیم ، اصلاح محکوم بهتر و تکرار جرم کمتر می شود فقدان تخصص در مدیریت کارآمد سبب رویکردی منفعلانه در جامعه می شود. زمانی که مدیر جامعه تخصص لازم را نداشته باشد ، نمی تواند در اجرا و اوامر امور موفق باشد.

زمانی که مدیری به دلایل سیاسی و اقتصادی در زمان های مختلف مسئولیت های متفاوتی را قبول می کند، نتیجه ی آن مدیریت ضعیف و آثار منفی را در جامعه در پی خواهد داشت .

کارگزار باید در انتخاب مدیران خود به معیار های جوانی توجه نماید و از انتصابات افراد سالخورده خودداری نماید کارگزار باید طبقه محروم را درک و زندگی خود را با آن ها همسان سازی نماید چرا که با اعمال و اجرای یک سیاست تاثیر آن را در زندگی خود و طبقات پایین درک خواهد کرد

یکی از شاخصه های مشهود در حکومت علی(ع) نظارت مردم بر حکومت بوده است که موجب پاسخگویی کارگزاران در جامعه می گشت.

رویکرد حضرت نسبت به کیفر به صورت مطلق نبوده است و کیفر خاصی را نسبت به افراد یکسان حکم نمی دادند و گاهی به جایگزین های مجازات توجه می کردند. صرفاً به اجرای مجازات بسنده نمی کردند و می کوشیدند موجبات اصلاح و درمان او را فراهم کرده ، او را به اجتماع برگردانند.

یکی از وظایف دولت اسلامی، تسهیل ازدواج است. اگر خانواده، در تهیه این امکانات ناموفق باشد، وظیفه حکومت اسلامی است که با کمک و یاری به جوانان از ارتکاب جرایم و گناه پیشگیری نماید و در رابطه با جرایم جنسی نباید صرفاً در پی اجرای مجازات بود، بلکه باید از اقدامات لازم برای اصلاح مجرمان بهره جست و عوامل آن را از بین برد

در اجرای عدالت نباید عدالت با بی تدبیری و بهره جستن از احساسات و غضب قربانی گردد . اجرای مجازات اقتضاء می کند که ستمی در حق بزهکار اعمال نشود و اگر اجحافی در حق او شد، از او اعاده حیثیت شود.

قطعیت مجازات ها در موارد متعدد، به دلیل حاشیه های امن، به خطر می افتد؛ مرتکبان با وجود «حاشیه امن»، به جرم ادامه می دهند؛ لذا بایستی حاشیه های امن از قوانین، ساختارها، و نهاد های امور کیفری سلب شود تا از ارتکاب جرایم جلوگیری شود

اطفال و نوجوانان به لحاظ شخصیت در زمان رشد و پرورش هستند که بی شک اقدامات تربیتی نسبت به آنان در این سن، جهت مقابله با گرایش به بزهکاری و انحراف موثر واقع خواهد شد.

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، یک جلدی، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- [۳]. بخاری، محمد، (۱۳۷۸ هـ.ق). صحیح بخاری، مطابع الشعب.
- [۴]. بروجردی، حسین طباطبائی، (۱۴۲۹ هـ.ق). جامع احادیث الشیعہ، ۳۱ جلد، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- [۵]. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، نشر داوری.
- [۶]. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ هـ.ق). وسائل الشیعہ، ۳۱ جلد، قم، مؤسسه آل البيت.
- [۷]. حسینی شیرازی، سید محمد، (بی تا) الفقه النظافه، در یک جلد، مؤسسه المجتبى.
- [۸]. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵). فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم، قم: بوستان کتاب.
- [۹]. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰.
- [۱۰]. شیخ مفید، (۱۳۸۷) الجمل، تحقیق سید علی میرشریفی، قم، بوستان کتاب
- [۱۱]. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۳۸۱) ترجمه و متن کتاب شریف احتجاج، دو مجلد، مترجم بهراد جعفری، تهران دار الکتب الاسلامیه.
- [۱۲]. طبسی، نجم الدین، (۱۳۸۵). زندان و تبعید در اسلام، مترجمان مصطفی شفیعی، محمدرضا حسینی، قم : صفحه نگار.
- [۱۳]. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ هـ.ق) تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ۱۰ جلد، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم
- [۱۴]. عابدی، محمد، (۱۳۸۸) وظایف دولت در پیشگیری از جرم، قم، نشر نور السجاد.
- [۱۵]. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۸). ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ۶ جلدی کامل، تهران، انتشارات فقیه.
- [۱۶]. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷) الفروع فی الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- [۱۷]. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸). اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- [۱۸]. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ هـ.ق) بحار الانوار، بیروت، نشر الوفا.
- [۱۹]. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۲۱ ق). موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنه و التاریخ، قم: موسسه دارالحديث العلمیه والثقافیه.
- [۲۰]. مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ هـ.ق). دعائم الإسلام، ۲ جلد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم.
- [۲۱]. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲) جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، قم، دارالکتب الاسلامی.
- [۲۲]. نجمی، محمد صادق، (۱۳۸۴) خطبه حسین بن علی (ع) در منی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ چهارم.
- [۲۳]. نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۳۱۹). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- [۲۴]. وائلی، احمد، (۱۳۶۲). احکام زندان، ترجمه: محمد حسن بکائی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.